

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۲

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای یوسفی

مقدمه

از آنجا که عبادات، ریشه در اوامر و توصیه‌های الهی دارند، معمولاً هر یک از آنها، برای صحتشان و یا فضیلت بیشتر، شرایطی دارند. نماز هم از عباداتی است که شرایط زیادی در مورد آن بیان شده است؛ شرایطی از قبیل: وقت ادای نماز، قبله، طهارت (از حدث و خبث) و

با توجه به واجب بودن یا مستحب بودن نماز و نیز اینکه کدام یک از نمازهای واجب یا مستحب باشد، این شرایط تغییر کرده و حتی گاهی اوقات منتهی می‌شوند.

در این درس و درس‌های آینده، شرایط نمازهای واجب یومیه را بررسی کرده و ابتدا درباره اوقات آنها بحث می‌نماییم.

متن درس

شرائط الصلاة:

للصلاة عدة شرائط كالوقت والقبلة والطهارة وغيرها نذكرها كما يلي.

اوقات اليومية:

وقت الظهرين من الزوال الى الغروب. و المشهور اختصاص الظهر بأوله والعصر بآخره. وقت العشائين من المغرب الى نصف الليل. والمشهور اختصاص المغرب والعشاء كذلك، ويمتد وقتهما للمضطر الى الفجر الصادق. و وقت الصبح من الفجر الى طلوع الشمس.

والمستند في ذلك:

١- أما أن بداية وقت الظهرين هو الزوال، فقد اتفق عليه المسلمون، ولم ينسب الخلاف فيه إلا الى ابن عباس والحسن والشعبي، فجوزوا للمسافر الصلاة قبل الزوال.

ويدل على ذلك قوله تعالى: أقم الصلاة لدلوك الشمس والذلوك هو الزوال. ومن السنة الشريفة، روايات تتجاوز الثلاثين كصحيحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: اذا زالت الشمس دخل الوقتان: الظهر والعصر، فاذا غابت الشمس دخل الوقتان: المغرب والعشاء الآخرة. وسند الصدوق الى زرارة صحيح على ما في المشيخة.

وفي مقابل ذلك روايات كثيرة تدل على أن الوقت بعد مضي فترة من الزوال إما بمقدار صيرورة الظل الحادث بعد الزوال بمقدار ذراع او بمقدار قدم او بغير ذلك.

مثال الأول الذي تتجاوز رواياته العشر: رواية الصدوق عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: سألته عن وقت الظهر، فقال: ذراع من زوال الشمس. ووقت العصر ذراعان من وقت الظهر فذاك اربعة اقدم من زوال الشمس. ثم قال: ان حائط مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله كان قائمة وكان اذا مضي منه ذراع صلى الظهر وإذا مضي منه ذراعان صلى العصر، ثم قال: أتدرى لم جعل الذراع والذراعان، قلت: لم جعل ذلك؟ قال: لمكان النافلة. لك أن تتنفل من زوال الشمس الى أن يمضي ذراع، فاذا بلغ فيؤك ذراعاً من الزوال بدأت بالفريضة وتركت النافلة، واذا بلغ فيؤك ذراعين بدأت بالفريضة وتركت النافلة. و مثال الثاني الذي يبلغ روايتين او اكثر: صحيحة سعيد الأعرج: سألته عن وقت الظهر أ هو إذا زالت الشمس؟ فقال: بعد الزوال بقدم او نحو ذلك الا في السفر او يوم الجمعة، فان وقتها اذا زالت.

ويمكن الجواب بأن الناظر لها يفهم منها أن الغرض من جعل التأخير أداء النافلة، فمن لم تكن ثابتة في حقه كالمسافر او لم يرد أدائها فبإمكانه أداء الواجب بداية الزوال. ومع التنزل لا بد من طرحها لمخالفتها لصريح القرآن الكريم وما هو الثابت بين الأصحاب بالضرورة.

شرایط نماز

فقها برای نمازهای یومیه شرایطی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله «وقت نماز»، «قبله»، «طهارت»، «پاکی بدن و لباس»، «مکان» و شرایط دیگر. این شرایط و ادله آن در کتب فقهی استدلالی مورد نقض و ابرام واقع شده است.

تطبیق

شرائط الصلاة:

شرایط نماز

للصلاة عدة شرائط كالوقت والقبلة والطهارة وغيرها نذكرها كما يلي.

نماز شرایطی دارد؛ مثل «وقت»، «قبله»، «طهارت» و غیر اینها که در ادامه آنها را ذکر می‌کنیم.

اوقات نمازهای یومیه

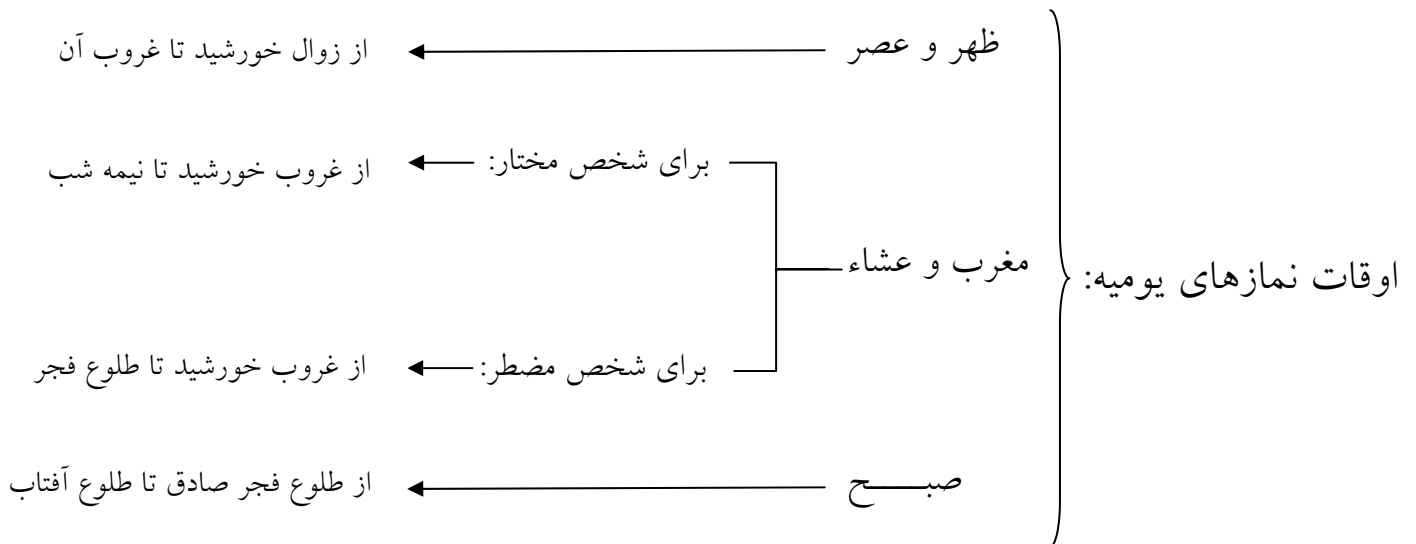
هر یک از نمازهای پنج‌گانه یومیه، باید در وقت معینی خوانده شوند. یعنی فرصت ادای آنها از یک زمان خاصی شروع می‌شود و در زمان خاصی نیز پایان می‌یابد.

زمان ادای نمازهای ظهر و عصر، از زوال خورشید است تا هنگام غروب؛ وقت ادای نمازهای مغرب و عشاء، از مغرب است تا نیمه شب^۱ که البته اگر کسی اضطرار داشت و نتوانست در پیش از نیمه شب آنها را ادا کند تا زمان فجر صادق (اذان صبح) فرصت دارد^۲. هنگام ادای نماز صبح هم از طلوع فجر صادق است تا طلوع خورشید.

^۱ البته درباره انتهای وقت نماز عشاء، اقوال دیگری (از برخی علمای عامه) نقل شده است. مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف (ص ۲۳۴) می‌فرماید:

مسألة ۸ [آخر وقت العشاء]: الأظهر من مذاهب أصحابنا و من روايتهم ان آخر وقت العشاء الآخرة إذا ذهب ثلث الليل و قد روى نصف الليل و روى الى طلوع الفجر. و قال الشافعي في الجديد: إن آخر وقتها المختار الى ثلث الليل ... و قال قوم: وقتها ممتد الى طلوع الفجر الثاني ... و قال النخعي: آخر وقتها ربع الليل.

^۲ محقق حلی رحمه‌الله (در المعتمد فی شرح المختصر؛ ج ۲؛ ص ۴۰) می‌فرماید: مسئله: أول وقت المغرب عن غروب الشمس و هو إجماع العلماء، و آخره للفضيلة إلى ذهاب الشفق، و الاجزاء الى أن يبقى لانتصاف الليل قدر العشاء ... و يمتد وقت المضطر حتى يبقى للفجر قدر العشاء، و قال عطا و طاوس: يمتد وقتها الى طلوع الفجر و به رواية عن مالك. و قال الشيخ في الخلاف و المبسوط: آخره للمختار الى ذهاب الشفق، و للمضطر كما قلناه و به قال علم الهدى في المصباح و ابن أبي عقيل و هو مذهب أبي حنيفة... .



برخی مباحث در مورد این اوقات شایان ذکر است؛ از جمله اینکه اگر نمازی در وقتش ادا نشود و زمانش بگذرد، مکلف باید آن را در خارج وقت و با نیت «قضاء» بجا آورد. نماز قضا باب مستقلی از کتب فقهی را تشکیل می‌دهد.

نکته دیگر اینکه نمازهای «ظهر و عصر» و «مغرب و عشاء» برای ادا، دارای زمان مشترکی هستند. مشهور علما ابتدای زوال را مختص به نماز ظهر می‌دانند؛ یعنی از زوال تا هنگامی که مکلف عادتاً می‌تواند نماز ظهرش را بخواند^۱، زمان مختص به ظهر است. در انتهای وقت هم به میزان ادای نماز عصر، زمان مختص به عصر است. بعد از وقت مخصوص ظهر تا وقت مخصوص عصر را زمان مشترک می‌نامند. همین مطلب را در مورد نماز مغرب و عشاء هم مطرح می‌کنند^۲.

تطبيق

اوقات الیومیة:

اوقات نمازهای یومیه:

وقت الظهرین من الزوال الی الغروب.

^۱ یا چهار رکعتی (برای کسی که نمازش تمام است) و یا دو رکعتی (برای کسی که نمازش شکسته است).

^۲ ادای نماز «عصر» باید بعد از ادای نماز «ظهر» باشد و عشاء بعد از مغرب؛ اما اگر سهواً جا بجا خوانده شوند احکامی در پی دارد که برخی از علما با توجه به ادای نماز در وقت مشترک و یا وقت مختص دیگری، حکم به صحت و بطلان می‌کنند. پس تعیین وقت مختص و مشترک، بنابر بعضی فتاوا، ثمراتی فقهی را در پی دارد. به عبارت زیر از مرحوم محقق حلی (در الرسائل التسع؛ ص ۲۴۶) توجه فرمایید:

المسألة الخامسة عشرة: فی رجل صَلَّى العصر فی وقت الظهر ساهیا هل تصح صلاة العصر أم لا؟ ... و كذا إذا صَلَّى الظهر فی الوقت المختصّ بالعصر ساهیا أيضاً، ما الحكم فی ذلك؟

الجواب: الذی استقرّ فی المذهب أنّ الظهر مختصّ من أوّل الوقت بقدر أدائها و العصر من آخر الوقت بقدرها، و ما بینهما مشترک، فإن كان صَلَّى العصر فی الوقت المشترك فصلاّته صحیحة، لکنه أخلّ بالترتیب سهواً غیر مبطل و یؤدی الظهر بعد ذلك أداء لا قضاء. أمّا لو صَلَّى العصر فی أوّل الوقت الذی هو للظهر خاصّة و لم یزد عنه بقدر ما یدخل فی وقت العصر و هو متلبّس بها كانت العصر باطلة ثمّ یستأنف. و كذا البحث فی العصر.

وقت (ادای) نماز ظهر و عصر از هنگام زوال خورشید است تا غروب آفتاب.
و المشهور اختصاص الظهر بأوله و العصر بآخره.

مشهور فقها وقت نماز ظهر را به اول این زمان، اختصاص می دهند و وقت عصر را به آخرش.
وقت العشاءین من المغرب الی نصف اللیل؛ و المشهور اختصاص المغرب و العشاء کذلک.

وقت (ادای) نمازهای مغرب و عشاء از هنگام مغرب است تا نیمه شب؛ که البته در اینجا هم مشهور علما مغرب را به ابتدای وقت و عشاء را به آخر وقت، اختصاص داده اند.
و یمتد وقتها للمضطر الی الفجر الصادق.

برای کسی که اضطرار داشته (و نتوانسته نمازهای مغرب و عشاءش را در وقت مذکور به جا آورد)، وقت این دو نماز تا فجر صادق امتداد دارد.

و وقت الصبح من الفجر الی طلوع الشمس.

وقت (ادای) نماز صبح از طلوع فجر است تا طلوع خورشید.

SCO۱ : ۰۷:۳۵

مستندات

در بخش قبل، چند مطلب بیان شد که باید مستندات و برخی از نکات مرتبط را مورد بررسی قرار دهیم.
آن مطالب عبارتند از:

۱. شروع وقت نماز ظهر و عصر، هنگام زوال است.
۲. وقت ادای نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب امتداد دارد.^۱
۳. نماز ظهر مختص اول وقت مذکور است و عصر مختص به انتهای وقت.
۴. وقت ادای نماز مغرب از غروب آغاز می شود.
۵. انتهای وقت ادای نماز مغرب، نیمه شب است.^۲
۶. ابتدای وقت برای ادای عشاء، گذر زمان مناسب برای ادای مغرب است.
۷. انتهای وقت نماز عشاء، نیمه شب است.
۸. نماز مغرب به ابتدای وقت و نماز عشاء به انتهای وقت، اختصاص دارد.
۹. وقت عشاءین، برای مضطر، تا طلوع فجر امتداد دارد.
۱۰. ابتدای وقت ادای نماز صبح، طلوع فجر است.
۱۱. طلوع خورشید، پایان فرصت ادای نماز صبح است.

^۱ مستندات مطالب دوم، سوم و چهارم، در درس سوم بیان می شوند.

^۲ مستندات مطالب پنجم به بعد در درس چهارم بررسی می شوند.

اقوال و روایات مختلف در شروع وقت ظهرین

اکثریت قریب به اتفاق مسلمین، شروع وقت ادای نماز ظهر و عصر را «زوال خورشید» می‌دانند؛ تنها کسانی که نسبت خلاف به ایشان داده شده عبارتند از: «ابن عباس»، «حسن بصری» و «شعبی»^۱ که این افراد به مسافر اجازه می‌دهند قبل از زوال به نماز بایستند.^۲

در روایات تعابیر مختلفی وجود دارد:

بیش از سی روایت، دلالت دارند بر اینکه ابتدای وقت نماز ظهر، هنگام زوال است.

بیش از ده روایت، دال بر این است که ابتدای وقت، هنگامی است که سایه شاخص به یک ذراع برسد.

دو روایت (یا بیشتر) هم داریم که ابتدای وقت را هنگامی می‌دانند که سایه شاخص^۳ به اندازه یک قدم^۴ رسیده باشد.

دلیل اعتبار «زوال شمس»

برای قول مختار، سه دلیل اقامه می‌کنیم:

۱. اتفاق مسلمین. همانطور که گفتیم همه مسلمین (غیر از تعداد اندکی که به مخالفتشان اعتنا نمی‌شود) ابتدای وقت ظهر را «زوال خورشید» می‌دانند.

۲. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أقم الصلاة لدلوك الشمس» و معنای لغوی دلوک «زوال» است؛^۵ پس مطابق این آیه، ابتدای وقت نماز ظهر، زوال خورشید است.

^۱ از فقهای قرن اول هجری و جزو تابعین است. از محضر برخی صحابه مثل علی علیه‌السلام و ابن عباس و چند تن دیگر (مثل سعد بن ابی وقاص، ابن عمر و عایشه) استفاده کرده است.

^۲ به عبارات زیر دقت فرمایید:

ابن قدامه در کتابش (المغنی؛ ج ۱؛ ص ۴۴۰) چنین آورده است: فصل: ومن صلى قبل الوقت لم يجز صلاته في قول أكثر أهل العلم سواء فعله عمداً أو خطأ كل الصلاة أو بعضها وبه قال الزهري والأوزاعي والشافعي وأصحاب الرأي وروى عن ابن عمر وأبي موسى أنهما أعادا الفجر لأنهما صلياها قبل الوقت وروى عن ابن عباس في مسافر صلى الظهر قبل الزوال يجزئه ونحوه قال الحسن والشعبي...

شیخ طوسی رحمه‌الله فرموده است: مسألة ۱: لا يجوز افتتاح الصلاة قبل دخول وقتها و به قال جميع الفقهاء و روى في بعض الروايات عن ابن عباس انه قال: يجوز افتتاح الصلاة قبل الزوال بقليل. (الخلاف؛ ج ۱؛ ص ۲۵۵)

^۳ مراد از شاخص چیزی است که به طور عمود بر زمین قرار گرفته باشد؛ مثل یک دیوار، میله یا درخت صاف.

^۴ مراد از قدم در اینجا، طول یک کف پاست. تقریباً طول قامت یک انسان با قد معمولی، هفت برابر قدم اوست؛ یعنی اگر قدش ۱۷۵ سانتی متر باشد، طول کف پایش تقریباً ۲۵ سانت است. به عبارت زیر توجه فرمایید:

مراد از قدم، سُبُع شاخص است یعنی: هفت یک هر چیزی که از برای استعمال وقت نصب کنند، و وجه تسمیه آن است که: طول قامت هر انسان مستوی الخلقه هفت قدم است. (مقام الفضل؛ ج ۲؛ ص ۲۷۹)

^۵ مرحوم محقق حلی (در المعبر فی شرح المختصر؛ ج ۲؛ ص ۵۷) می‌فرماید: مسألة: لا تستفتح فريضة قبل وقتها و هو مذهب أهل العلم خلا ابن عباس ففي رواية عنه «جواز افتتاح الظهر للمسافر قبل الزوال بقليل» و نحوه قال الحسن والشعبي: و خلافهم منقرض فلا عبرة به.

^۶ الاسراء؛ آیه ۷۸.

^۷ زراره از امام باقر نقل کرده که در ذیل آیه ۷۸ سوره اسراء فرمود: و دلوکها زوالها.

۳. همانطور که گفتیم بیش از سی روایت دال بر قول مختار است. از جمله: شیخ صدوق رحمه الله تعالی در کتاب «من لایحضره الفقیه»^۱ روایت زیر را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

و روی زرارة عن أبي جعفر أنه قال: إذا زالت الشمس دخل الوقتان الظهر و العصر فإذا غابت الشمس دخل الوقتان المغرب و العشاء الآخرة.^۲

شیخ صدوق از زراره نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که خورشید زوال یافت وقت دو نماز ظهر و عصر داخل می شود و هنگامی که خورشید غایب شد وقت دو نماز مغرب و عشاء می رسد.

شاید در نگاه اول، این روایت را مرسل بدانیم؛ چون راویان بین شیخ صدوق تا زراره در سند ذکر نشده اند؛ اما با توجه به سبک شیخ صدوق در اختصار اسناد و آوردن طرق در مشیخه^۳، این مشکل حل می شود. طریقی که شیخ صدوق بین خودش تا زراره بیان می کند «صحیح» است و لذا این روایت را صحیح می دانیم.

تطبيق

والمستند في ذلك:

مستند آن (مطلب یازده گانه^۴) عبارت است از:

۱- أما أن بداية وقت الظهرين هو الزوال، فقد اتفق عليه المسلمون، ولم ينسب الخلاف فيه إلا الى ابن عباس والحسن والشعبي، فجوزوا للمسافر الصلاة قبل الزوال.

(مطلب اول یعنی) این مطلب که شروع وقت نماز ظهر و عصر، هنگام زوال است، مورد اتفاق مسلمین بوده و کسی با آن مخالفت نکرده است؛ مگر اینکه به «ابن عباس» و «حسن بصری» و «شعبی» چیزی مخالف آن را نسبت داده اند. ایشان برای مسافر، نماز قبل از زوال را اجازه داده اند.

ابن منظور در لسان العرب چنین آورده است: و قال الزجاج: ذُوك الشمس زوالها في وقت الظهر.

^۱ من لایحضره الفقیه؛ باب مواقیب الصلاة؛ ح ۶۴۸.

^۲ «عشاء» به کسر عین، ابتدای ظلمت شب را گویند تا یک سوم شب (العشاء: أوّل الظلام من اللیل، و قیل: هو من صلاة المغرب إلى العتمة؛ و العتمة: الثلث الأول من اللیل بعد غیوبة الشفق)؛ که این هنگام، زمان ادای دو نماز واجب است. به همین خاطر است که نماز مغرب و عشاء را «العشاءان» می نامند؛ همان طور که ابن منظور در لسان العرب چنین می نویسد: «قال الأزهري: يقال لصلاتي المغرب والعشاء العشاءان، والأصل العشاء فغلب علی المغرب، كما قالوا الأبوان و هما الأب و الأم، و مثله كثير.»

«العشاء الأخيرة» در لسان روایات و فقها به نمازی گفته می شود که بعد از نماز مغرب می خوانیم و در فارسی آن را عشا می نامیم.

شایان ذکر است که در برخی متون، مراد از «عشاء» همان نمازی است که ما مغربش می نامیم. در لسان العرب آمده که: «قول النبي صلى الله عليه و سلم: إذا حضر العشاء و العشاء فابدؤوا بالعشاء. العشاء بالفتح و المد: الطعام الذي يؤكل عند العشاء، و هو خلاف الغداء و أراد بالعشاء صلاة المغرب، و إنما قدم العشاء لئلا يشتغل قلبه به في الصلاة.»

^۳ برخی از مولفین کتب حدیثی، برای حفظ اختصار، از آوردن نام روایتی که بین مولف و روات طبقات اولیه فاصله شده اند خودداری کرده و در انتهای کتاب، طریقی خود را به روات صدر روایت، بیان می کردند. این بخش از کتاب (که در حقیقت مشایخ و اساتید مولف را بیان می دارد) را «مشیخه» می نامند.

^۴ البته در این درس فقط به مطلب اول می پردازیم. سایر مستندات را در درس های بعد مطرح می کنیم.

ویدل علی ذلك قوله تعالى: أقم الصلاة لدلوك الشمس والدلوك هو الزوال.

این قول خداوند که می‌فرماید: «نماز را هنگام دلوک خورشید به پا دار» بر نظر ما دلالت دارد؛ (چرا که) دلوک به معنای زوال است.

ومن السنة الشريفة، روايات تتجاوز الثلاثين كصحيحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: اذا زالت الشمس دخل الوقتان: الظهر والعصر، فاذا غابت الشمس دخل الوقتان: المغرب والعشاء الآخرة.

و (بر نظر ما دلالت دارد) از سنت (منقوله از) معصومین، بیش از سی روایت؛ مثل صحیح زراره از امام باقر علیه‌السلام: هنگامی که خورشید زوال یافت وقت دو نماز ظهر و عصر داخل می‌شود و هنگامی که خورشید غایب شد وقت دو نماز مغرب و عشاء می‌رسد.

وسند الصدوق الى زرارة صحيح على ما في المشيخة.

(روایت فوق را شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» نقل کرده است) و بنابر آنچه که در مشیخه‌ی کتاب شیخ صدوق بیان شده، سند و طریق شیخ صدوق به زراره، صحیح است.

دلیل اعتبار «گذر مدتی از زوال»

در مقابل ادله‌ای که بر نظمان اقامه کردیم، چند روایت وجود دارد که ابتدای وقت ادای فریضه را خود زوال ندانسته بلکه گذشتن مقداری از زوال را لازم می‌دانند. برخی از این روایات (که بیش از ده روایتند)، تاخیر را تا جایی لازم می‌دانند که سایه شاخص، به اندازه یک ذراع^۱ برسد. برخی دیگر (که دو تا یا بیشتر هستند) می‌گویند که باید سایه تا یک قدم^۲ برسد. برخی روایات هم مدت دیگری را بیان کرده‌اند.^۳

تطبيق

و في مقابل ذلك روايات كثيرة تدل على أن الوقت بعد مضي فترة من الزوال

و در مقابل ادله ما، روایات زیادی وجود دارد که دلالت می‌کند بر اینکه بعد از گذشتن مدتی از زمان زوال، وقت نماز ظهر و عصر فرا می‌رسد.

إما بمقدار صيرورة الظل الحاد بعد الزوال بمقدار ذراع او بمقدار قدم او بغير ذلك.

(در اینکه این مقدار چقدر است روایات مختلفند): یا گذر زمان به میزانی که سایه‌ای که بعد از زوال ایجاد شده به مقدار یک ذراع برسد؛ یا اینکه به مقدار یک قدم برسد و یا غیر این مقادیر.

روایات

^۱ هر ذراع، دو هفتم طول شاخص است؛ لذا اگر طول شاخص ۷۰ سانتیمتر باشد، هنگامی که (بعد از زوال) ۲۰ سانتیمتر بر سایه افزوده گردد اصطلاحاً یک ذراع بر سایه اضافه شده است.

^۲ هر قدم یک هفتم طول شاخص است. به عبارت دیگر هر قدم نصف یک ذراع است.

^۳ با توجه به اینکه مصنف محترم فرمود: «ان بداية الظهرين هو الزوال فقد اتفق عليه المسلمون»؛ ظاهراً کسی طبق این روایات، فتوا نداده است.

گفتیم که یک دسته از روایات، گذشتن زمان از زوال را لازم می‌دانند که سایه شاخص به اندازه یک ذراع برسد. این روایات بیش از ده تا هستند که یکی از آنها را بررسی می‌کنیم:

مرحوم شیخ صدوق نقل کرده که زراره گفت: از امام باقر علیه‌السلام درباره وقت نماز ظهر پرسیدم. امام فرمودند: «(هنگام نماز ظهر وقتی است که) یک ذراع از زوال خورشید گذشته باشد؛ و وقت نماز عصر هنگامی است که دو ذراع از حین نماز ظهر بگذرد.» در ادامه این حدیث امام علیه‌السلام دلیل حکم به این گذر زمان را چنین بیان فرموده‌اند: «(این گذر زمان را) بخاطر نافله (قرار دادیم). می‌توانی از هنگام زوال تا (رسیدن سایه به) یک ذراع، نافله بخوانی؛ وقتی سایه به یک ذراع رسید نافله را ترک کرده و مشغول نماز واجب (ظهر) می‌شوی؛ (پس از نماز ظهر، مشغول نوافل عصر شده) و هنگامی که سایه به دو ذراع رسید نماز واجب (عصر) را شروع کرده و نافله را ترک می‌کنی.»^۲

دسته دیگر که دو روایت یا بیشتر هستند، رسیدن سایه به اندازه یک قدم را مطرح کرده‌اند. یکی از آن احادیث، صحیح‌ه سعید اعرج از امام صادق علیه‌السلام است. سعید از امام پرسید که آیا وقت نماز ظهر هنگام زوال است؟ امام علیه‌السلام چنین جواب دادند: «(وقت نماز ظهر) بعد از زوال است به میزان (رسیدن سایه شاخص به) یک قدم»^۳. این قبیل روایات، مخالف نظر مصنف است که زوال را شروع وقت نماز ظهر دانست.

تطبیق

مثال الأول الذی تتجاوز روایاته العشر: روایة الصدوق عن زرارة عن أبي جعفر علیه‌السلام: سألته عن وقت الظهر، فقال: ذراع من زوال الشمس. ووقت العصر ذراعان من وقت الظهر فذاک اربعة اقدام من زوال الشمس.

یکی از احادیث دسته اول - که بیش از ده روایت هستند - روایتی است که شیخ صدوق از زراره و زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است. زراره می‌گوید: از امام باقر درباره وقت نماز ظهر پرسیدم. امام فرمود: «(هنگام نماز ظهر وقتی است که) یک ذراع از زوال خورشید گذشته باشد؛ و وقت نماز عصر هنگامی است که دو ذراع از حین نماز ظهر بگذرد؛ که این چهار قدم^۴ است از هنگام زوال خورشید.

ثم قال: ان حائط مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله كان قامة و كان اذا مضى منه ذراع صلى الظهر و إذا مضى منه ذراعان صلى العصر.

^۱ متن کامل روایت را در بخش تطبیق ترجمه می‌کنیم.

^۲ من لا يحضره الفقيه؛ ج ۱؛ باب مواقيت الصلاة؛ ح ۶۵۳.

^۳ تهذيب الأحكام؛ ج ۲؛ باب المواقيت؛ ح ۷.

^۴ این روایت تتمه‌ای دارد که آن را در بخش تطبیق می‌بینید.

^۵ در حواشی قبلی گفتیم که هر ذراع برابر است با دو قدم.

سپس امام فرمود: دیوار مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله به اندازه قامت یک انسان بود و هنگامی که از زوال (آن قدر زمان) می گذشت (که به اندازه‌ی) یک ذراع^۱ (بر سایه دیوار افزوده می گردید)، پیامبر نماز ظهر و هنگامی که از آن دو ذراع می گذشت نماز عصر را می خوانده است.

ثم قال: أتدری لِمَ جعل الذراع والذراعان، قلت: لِمَ جعل ذلك؟ قال: لمكان النافلة.

سپس (امام صادق علیه السلام) فرمود: آیا می دانی چرا (گذر زمانی که در آن به اندازه) یک ذراع و دو ذراع (بر سایه افزوده گردد؛ برای ادای فریضه ظهر و عصر، تشریح شده و) قرار داده شده است؟ گفتیم: چرا؟ فرمود: به خاطر نافله.

لك أن تتنفل من زوال الشمس الى أن يمضي ذراع، فإذا بلغ فيؤك^۲ ذراعاً من الزوال بدأت بالفريضة وتركت النافلة، وإذا بلغ فيؤك ذراعين بدأت بالفريضة وتركت النافلة.

تو می توانی از زوال خورشید تا زمانی که یک ذراع بگذرد (یعنی تا زمانی که یک ذراع بر سایه شاخص افزوده گردد) نافله بخوانی، و (چنانچه شاخصی که قرار داده‌ای به اندازه قامت خودت باشد) هنگامی که سایه‌ات از حین زوال به یک ذراع رسید، نافله را ترک کرده و فریضه ظهر را شروع می کنی و هنگامی که سایه‌ات به دو ذراع رسید فریضه عصر را شروع کرده و نافله را ترک می کنی.

و مثال الثانی الذی یبلغ روایتین او اکثر: صحیحة سعید الأعرج^۳: سألته عن وقت الظهر أ هو إذا زالت الشمس؟ فقال: بعد الزوال بقدوم او نحو ذلك الا في السفر او يوم الجمعة، فان وقتها اذا زالت.

یکی از احادیث دسته دوم _ که به دو روایت یا بیشتر می رسد _ صحیححه سعید اعرج است. او می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وقت (ادای نماز) ظهر پرسیدم که آیا وقت آن، هنگامی است که خورشید زوال یابد؟ فرمود: (وقت ادای فریضه ظهر) هنگامی است که یک قدم یا شبیه آن از زوال گذشته باشد؛ مگر آنکه نمازگزار در سفر باشد و یا اینکه روز جمعه باشد (و نماز جمعه خوانده شود) که (در این دو صورت) وقت ادای فریضه، هنگام زوال خورشید است.

جواب از روایات

اولاً: تاخیری که در این روایات مطرح شده است برای این جعل گردیده که نمازگزار فرصت کافی برای ادای نوافل داشته باشد و معمولاً اگر کسی مشغول نوافل باشد، همین میزان تاخیر نیز حاصل می گردد. اگر کسی نخواهد نافله

^۱ با توجه به اینکه شاخص در این روایت، دیواری بوده به قامت انسان و ذراع انسان معمولاً دو هفتم قد اوست؛ پس پیامبر هنگامی نماز ظهر را شروع می فرمودند که به اندازه دو هفتم شاخص بر سایه آن افزوده می شد.

^۲ الفیء: الظل. (کتاب العین)

^۳ در تهذیب الأحکام؛ ج ۲؛ باب المواقیت؛ ج ۷ چنین آمده است: فأما ما رواه الحسن بن محمد بن سماعة عن علي بن النعمان و ابن رباط عن سعید الأعرج عن أبي عبد الله (ع) قال سألته عن وقت الظهر أ هو إذا زالت الشمس فقال: ...

بخواند و یا اینکه (مثل مسافر) اصلاً نافله در حقیقت مستحب نباشد^۱، چنین شخصی می‌تواند فریضه‌اش را در حین زوال ادا کند.

ثانیاً: اگر از مطلب قبل دست برداریم و روایات مذکوره را دال بر لزوم تاخیر بدانیم؛ در آن صورت این روایات با سایر ادله (مثل آیه صریح قرآن^۲ و نیز ضروری بین علمای شیعه^۳) تعارض کرده و از حجیت سقوط می‌کنند.

تطبيق

ويمكن الجواب بأن الناظر لها يفهم منها أن الغرض من جعل التأخير أداء النافلة

و می‌توان از این روایات جواب داد به اینکه: هر کس این روایات را ببیند می‌فهمد که غرض از جعل تاخیر، (ایجاد فرصت برای) ادای نافله است.

فمن لم تكن ثابتة في حقه كالمسافر او لم يرد أدائها فيامكانه أداء الواجب بداية الزوال.

پس کسی که -مثل مسافر- نافله در حقیقت ثابت نیست یا اینکه (ثابت است ولی) نمی‌خواهد نافله را بخواند (و این امر مستحبی را ترک می‌نماید) برای چنین شخصی، ادای فریضه در ابتدای زوال ممکن است.

ومع التنزل لا بدَّ من طرحها لمخالفتها لصریح القرآن الكريم وما هو الثابت بين الأصحاب بالضرورة.

و اگر (از حرف اولمان دست برداشته و) تنزل نماییم (و قائل به دلالت این روایات بر لزوم تاخیر شویم)، در آن صورت چاره‌ای جز کنار نهادن آنها نیست؛ به خاطر مخالفت آن روایات با صریح قرآن و نیز (مخالفت با) چیزی که در بین اصحاب (و علمای مذهب جعفری) ضرورتاً ثابت است (و از ضروریات به حساب می‌آید).

SCO۲: ۲۷:۴۲

^۱ و روی أيضاً عن صفوان بن يحيى عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام؛ قال: سألت عن الصلاة تطوعاً في السفر. قال: لا تصل قبل الركعتين ولا بعدهما شيئاً نهراً. (تهذيب الأحكام؛ كتاب الصلاة؛ باب فرض الصلاة في السفر؛ ح ۶)

أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب و علي بن الحكم جميعاً عن أبي يحيى الحنّاط قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن صلاة النافلة بالنهار في السفر. فقال: يا بني لو صلحت النافلة في السفر تمت الفريضة. (تهذيب الأحكام؛ كتاب الصلاة؛ باب نوافل الصلاة في السفر؛ ح ۱۰)

^۲ الاسراء؛ آیه ۷۸: أقم الصلاة لذئوك الشمس.

^۳ یعنی جواز ادای فریضه ظهر بلافاصله بعد از زوال، مطلبی است که در بین علمای شیعه ضروری است و از ضروریات مذهب به حساب می‌آید. البته چه بسا از ضروریات دین هم باشد؛ چون (طبق بیان مصنف) جز قلیلی از فقها (که اعتنایی به قولشان نمی‌شود) کسی در این مورد مخالفت نکرده است.

چکیده

۱. وقت ادای نمازهای ظهر و عصر از زوال خورشید است تا غروب آن؛ هنگام ادای نمازهای مغرب و عشاء از غروب آفتاب است تا نیمه شب و وقت ادای نماز صبح از طلوع فجر است تا طلوع خورشید.

۲. زوال خورشید ابتدای وقت نمازهای ظهر و عصر است؛ به سه دلیل:

الف) اتفاق مسلمین

ب) آیه قرآن (أقم الصلاة لدلوك الشمس)

ج) روایات متعدد

۳. برخی روایات، خود زوال را ابتدای وقت نمازهای ظهر و عصر ندانسته بلکه گذر مقداری از زمان را لازم می‌دانند. مصنف این روایات را بر ایجاد فرصت برای ادای نوافل حمل می‌کند و یا اینکه بخاطر مخالفت با سایر ادله، طردشان می‌نماید.